

در عوض ما شاهد نمایی از عدالت هستیم که مشخصه دوران زمامداری سیاسی خود هویدا بود که اکنون بازمی‌گشت تا خود او را همچون قربانی بگیرد. این مسلماً یک ترازوی است، در عین حال همدلی فوق‌العاده میلانی به این مورد ویژه ترازوی گسترده‌تری را که همان زندگی و کارنامه هویدا است از نظر دور می‌دارد. در تمام طول کتاب، میلانی در قبال بدترین انواع دادگاه‌های سیاسی و تجاوزات به حقوق بشر که به نحوی دائمی در ایران و در دوره‌ای اتفاق می‌افتاد که هویدا نخست‌وزیر بود هیچ توجه جدی‌ای مبذول نمی‌دارد. این مسئله یا توجه به این که میلانی خود در آن دوره مخوف یک زندانی سیاسی بود از نگرش عجیبی حکایت می‌کند. در سال ۵۴-۱۳۵۳، سال‌های اوج قدرت هویدا، گزارش سازمان «عفو بین‌الملل» اعلام می‌کند: «وضعیت حقوق بشر در هیچ کشوری به بدی ایران نیست.» توصیف وحشتناکی از دستگاه شکنجه سلطنتی در خود زندگینامه میلانی نیز وجود دارد:

... شلاق زدن، پیچاندن دست، سوزاندن با سیگار، به صلیب کشیدن، مانع از خواب شدن، شوک الکتریکی، کشیدن ناخن دست، له کردن آلت تناسلی، شوک الکتریکی دادن به حساس‌ترین نقطه‌های بدن، از قلاب آویزان کردن، سوزن کردن زیر ناخن و دست آخر هم آپولو^{۸۳} شکنجه‌های فوق مخلوطی است از روش‌های سنتی شکنجه در ایران و مدرن‌ترین انواع شکنجه که توسط آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها اختراع شده بود. اما آپولو اختراع مدرن ساواک در دورانی بود که همه از نشستن فضاییما بر سطح ماه صحبت می‌کردند. «آپولوی ساواک، لوله آهنی‌ای بود که روی سر زندانی گذاشته می‌شد تا صدای فریاد زندانی را در گوش او وقتی که شلاق می‌خورد تشدید کند.»^{۸۴}

در مقام نخست‌وزیر، هویدا قانوناً مسئول این دادگاه‌های نمایی، شکنجه‌ها و اعدام‌ها بود. اما او مستمراً و کاملاً بدون احساس و عاطفه تمامی این مسائل را نادیده می‌گرفت و هیچ گاه کمترین بذل توجهی به قربانیان رژیم نداشت و به نحوی حقیرانه سرکردگی عروسک‌های شاه را برعهده گرفت. نقشی که به کنار گذاشتن او و استفاده از او به منزله قربانی جنایات اربابش انجامید. اما برخلاف باند سلطنتی که هویدا را کاملاً با دو رویی تام رها کردند، همه مخالفان وی از تخریب او نه خوشحالی کردند و آن را خواستند. از این جمله‌اند، مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت که خود زمان نخست‌وزیری هویدا زندانی سیاسی بود. او تلاش زیادی کرد برای آن که دادگاه‌های انقلاب روش‌ها و قواعد بین‌المللی را به ویژه در مورد هویدا رعایت کنند. در آخر، تمامی این تلاش‌ها با شکست مواجه شد.^{۸۵} هویدا همراه با تعدادی دیگر از مسئولان بلندپایه و نیز کمتر بلند پایه سیاسی نظامی، پلیسی، اطلاعاتی در همان نوع دادگاه‌هایی که خود سال‌ها قبل عده‌ای دیگر را در مقابل آن فرستاده بودند، محاکمه شدند. دقیقاً از آنجا که چنین برخوردی در شان هیچ